

خلاقیت در کتب فرهنگ و هنر متوسطه اول: یک تحلیل محتوی

حمید بارانی^۱، حمیدرضا جوکار^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی محتوای کتب فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول از نظر میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز بود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی و روش تحلیل محتوا انجام شده است. محتوی کتب مذکور با استفاده از سیاهه مولفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه و جامعه آماری کتب فرهنگ و هنر متوسطه اول و واحد تحلیل نیز جملات و تصاویر موجود در کتاب بوده است. نتایج تحلیل نشان داد که ضریب درگیری (نسبت مولفه‌های خلاق به غیر خلاق) متن در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم به ترتیب ۳/۱۸، ۲/۴۸ و ۲/۱۲ و ضریب درگیری (نسبت مولفه‌های خلاق به غیر خلاق) تصاویر نیز به ترتیب ۱۳/۰۶، ۳۳/۶۶ و ۳۲/۲۲ می‌باشد. با توجه نتایج حاصل، محتوی کتب مذکور از نظر مولفه‌های خلاقیت در سطح مطلوب قرار دارند.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، خلاقیت، دانش آموزان، کتب فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول، hbarani50@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

مقدمه

در جهان کنونی با توجه به تحولات سریع و گسترده علوم و فناوری و ارتباطات و پیدایش مسائل و مشکلات نوین و همچنین ایجاد گسستگی میان موضوعات گذشته و امروز، دیگر آموزش و پرورش مبتنی بر حافظه و با محوریت انتقال علم و اطلاعات پاسخگوی نیازهای جدید بشر نخواهد بود. بی‌شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی و یا خلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می‌تواند اهداف آرمان‌گرایانه‌ی خود را شکوفا سازد (سلیمی و عصاره، ۱۳۹۲). خلاقیت عاملی موثر و کلیدی در حوزه فعالیت‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی و آموزش و پرورش است (ووتزاک و تراک، ۲۰۱۵). خلاقیت در لغت به معنای پدیدار شدن و تولید یک اندیشه و فکر نو و به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر جدید است (جعفری و امیرنژاد، ۱۳۹۶). خلاقیت حالتی ذهنی است که به تمام کارهای هوشمندانه انسان وحدت می‌بخشد (آوریل، ۲۰۰۵). در این تعریف خلاقیت فعالیتی تخیلی است که منجر به نتایج ابتکاری و ارزشمند می‌شود. آوریل (۲۰۰۵) پنج مفهوم اساسی را در این تعریف مشخص کرده است؛ ۱) تخیلی بودن، ۲) داشتن روش و اسلوب، ۳) تعقیب هدفمندانه، ۴) ابتکاری بودن و ۵) ارزشمندی، که هر کدام بخشی از جریان خلاقیت محسوب می‌شوند. هر چند رسیدن به تعریفی واحد از مسائل و موضوعات موجود در علوم انسانی کاری دشوار و گاهی موارد ناشدنی است، لیکن هر صاحب‌نظر بر اساس دیدگاه و نظریه خود تعاریفش را ارائه می‌دهد. در لابه‌لای هر کدام از این تعاریف مفاهیم متعددی گنجانده شده است که زمینه را برای استخراج آن توسط پژوهش‌گرانی که سعی در آزمون و بررسی آن نظریه دارند، را مشخص می‌نماید. گیلفورد و بیکاردز نیز به عنوان دو تن از متخصصان و صاحب‌نظران بزرگ عرصه تربیت و بالاختص خلاقیت تعاریف خود را ارائه نموده‌اند. گیلفورد (۲۰۰۵) خلاقیت را بعدی فراشناختی می‌داند که با فرایندهای عالی ذهن نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات ارتباط دارد (نقل در راد و نصرآبادی، ۱۳۹۶). مسئله خلاقیت از منظرهای مختلفی نگریسته شده است. خلاقیت به عنوان یک مسئله آموزشی، به مثابه یک مسئله انگیزشی و به عنوان شرط بقا در عصر فراصنعت، مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان جامعه قرار گرفته است (منطقی، ۱۳۹۱). تفکر خلاق عبارت است از توانایی نگاه جدید و متفاوت به یک موضوع و به عبارتی فرآیند شکستن و دوباره ساختن دانش خود درباره یک موضوع و به دست آوردن بینش جدید نسبت به ماهیت آن است (حائری‌زاده، ۱۳۹۱). از نظر رانکو و چاند (۱۹۹۵) فکری خلاق است که به اندیشه، راه حل و بینش ابتکاری منجر شود. لذا، ضروری است که معلمان داشتن طرز فکری خلاقانه را در کلاس‌های درس مورد تشویق قرار دهند. آن‌ها برای رسیدن به چنین هدفی بایستی به خلاقیت و نوآوری ارزش داده و به دانش‌آموزان امکان دهند تا به ابراز هرگونه عقیده خلافی بپردازند. معلمان با ترویج خلاقیت می‌توانند فرصت‌هایی را در جهت پیگیری کردن و کشف علائق و استعدادهای دانش‌آموزان فراهم آورند. کودکان به برنامه‌های درسی که آن‌ها را با تجربه‌های غیر قابل پیش‌بینی مواجه کرده و هیجان‌زده نماید، نیاز دارند و اجرای چنین برنامه‌هایی مستلزم وجود معلمان خلاق می‌باشد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان خلاق به معلمان خلاق نیاز دارند. معلمان می‌توانند محیطی را فراهم نمایند که ضمن برخورداری از نظم و ترتیب، برانگیزاننده‌ی تخیل و تجسم، کنجکاوی و ماجراجویی باشد (جین، ۲۰۱۳).

خلاقیت ویژگی اکتسابی و قابل یادگیری است. از این رو شناخت عوامل مرتبط با خلاقیت امری ضروری است (ایرجی راد و نصرآبادی، ۱۳۹۶). مهم‌ترین مسئله در آموزش کودکان خلاق، استفاده از محتوای آموزشی مناسب و روش‌های گوناگون برای حل مسئله، مسئله‌یابی، خلاقیت و تفکر سازنده است (طاهر، ۱۳۸۹). عوامل مربوط به مدرسه و شیوه‌های آموزشی اثر مهمی بر عملکرد دانش‌آموزان و بروز خلاقیت آنان دارد (حسینی و محمدزاده، ۱۳۹۵). کتاب درسی با در برداشتن محتوای آموزشی نقشی محوری در فرآیند یاددهی-یادگیری دارا می‌باشد و به عنوان اصلی‌ترین منبع

آموزش در اختیار معلمان است. اهمیت کتاب درسی به عنوان یک عنصر اساسی در برنامه‌های درسی و وسیله‌ای که در صورت جذاب بودن، امکان یادگیری را افزایش می‌دهد، آشکارتر شده است. در بررسی و تحلیل نظام‌مند فرایند یاددهی-یادگیری، کتاب درسی به عنوان یک زیر نظام برجسته، محتوای آموزشی پیش‌بینی شده را در بهترین شکل عرضه می‌نماید و در حقیقت تکیه‌گاه معلم و دانش‌آموز برای یادگیری اثربخش است (لینینگ و پینتاک، ۲۰۰۷).

نتایج مطالعات مختلف نیز نشان داده است که کتاب درسی تاثیر مستقیمی بر جریان تدریس و یادگیری دارد. برای مثال تحقیقات هریسون در این باره که متون درسی به چه صورت می‌تواند بر رفتار معلم و فراگیر تاثیر بگذارد به این نتیجه رسیده است که همان گونه که یک کتاب مناسب می‌تواند موجب تسهیل جریان یادگیری شود، یک کتاب نامناسب که دارای ابهام باشد نیز به همان اندازه می‌تواند فرآیند یادگیری را مختل و مانع فعالیت‌های آزادانه و ابتکاری معلم در هنگام تدریس شود (هریسون، ۲۰۰۱).

بسیاری از پژوهش‌گران، کتاب درسی را به عنوان یکی از رسانه‌های کارآمد و اثربخش آموزشی محسوب کرده‌اند که می‌تواند زمینه‌ی یادگیری و خودآموزی را برای فراگیران فراهم نماید (بیت‌الهی، ۱۳۹۳). از میان کتب درسی تاثیرگذار بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، کتاب‌های درسی هنر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هنر کمک می‌کند ذهن آدمی در فضایی آرام‌بخش و با آزادی سیر کند، و چیزهای جدید کشف کند و اندیشه‌هایی بروز دهد که تجربه نشده است. هنرها به دانش‌آموزان می‌آموزند که مسائل می‌توانند بیش از یک راه حل داشته باشند و پرسش‌ها نیز می‌توانند بیش از یک پاسخ را به همراه داشته باشند. از طریق هنرها، این مفهوم دریافت می‌شود که کارهای خوب با شیوه‌های مختلفی قابل انجام است (آیزنر، ۱۹۹۴).

با توجه به اهمیت درس هنر، یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی از نظر آیزنر (۱۹۹۴)، تدارک جایگاهی معقول برای درس هنر در برنامه درسی است. گویی که آموزش هنر باید به یک بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن، حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه در برنامه درسی بر آن تأکید شود و بی‌مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن رخت بریندد (مهر محمدی، ۱۳۸۳). آیزنر (۲۰۰۲) اذعان می‌کند که ادراک هنرها و به کارگیری صحیح شیوه‌های تربیت هنری می‌تواند در توسعه نظام مدرسه‌ای و رشد شایسته کودکان موثر باشد. به عبارت دیگر، تربیت هنری به عنوان یک حوزه گسترده و پویا در شکل‌گیری فعالیت‌های آموزشی در یک نظام مدرسه‌ای می‌تواند، آثار و نتایجی را خلق کند که شاید در کمتر حوزه‌ای از برنامه‌های درسی بتوان آن‌ها را جستجو کرد. ایوای (۲۰۰۲) در پژوهش مروری با عنوان «ملاحظات تربیت هنری در زندگی کودکان» که در قالب گزارش یونسکو ارائه کرد، اشاره می‌کند که ارتباط هنر با تعلیم و تربیت از پنج دیدگاه قابل توجه است: رشد زیبایی شناختی، رشد اجتماعی-عاطفی، رشد اجتماعی-فرهنگی، رشد شناختی و پیشرفت تحصیلی. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فعالیت‌های مناسب هنری نه تنها رشد زیبایی شناختی کودکان را بهتر می‌کند بلکه ارج‌گذاری آن‌ها به هنر را نیز تقویت می‌کند. کودکان در برنامه‌های نمایشی از طریق ایفای نقش و نوشتن داستان توانستند به دیدگاه‌های بهتری درباره خوداظهاری، پذیرش خود، پذیرش دیگران و خودآگاهی دست یابند (لرکیان، مهرمحمدی و حسنی، ۱۳۹۱). در تحقیقی دیگر که توسط ساری لوما در سال (۲۰۰۹) در چین با عنوان «تطبیق برنامه درسی با محتوای خلاق» انجام شد با نظرخواهی از ۱۳۲ معلم دوره ابتدایی به این نتیجه دست یافت که شکافی بین برنامه درسی و خلاقیت وجود دارد که باید در اصلاحات برنامه درسی چین مد نظر قرار گیرد (نقل در سلیمی و عصاره، ۱۳۹۲).

یکی از روش‌های پژوهشی که برای کتاب‌های درسی به کار می‌رود، تحلیل محتوا است. تحلیل محتوی یک روش پژوهش منظم برای توصیف عینی و کمی واحدهای تحلیل است (بیت الهی، ۱۳۹۳). این امر می‌تواند به روشن شدن مسئله کمک کرده و نقاط قوت و ضعف احتمالی کتاب‌های درسی را برای اصلاح و تغییر احتمالی محتوا، متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی پیشنهاد کرده و همچنین شیوهی درست طراحی را در اختیار مدیران و برنامه ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی قرار دهد (نیک نفس و علی آبادی، ۱۳۹۲). مهم‌ترین کاربرد تحلیل محتوی توصیف ویژگی‌های یک پیام است. در این روش محتوای آشکار و پیام‌ها به طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود. از این رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۲، ۱۳۹۵).

با وجود اهمیت درس هنر در پرورش خلاقیت، پژوهش‌های انجام شده در حوزه خلاقیت و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی نظام آموزشی ایران، بیشتر در ارتباط با کتب دروس ریاضی یا علوم تجربی بوده است و در تحلیل محتوای کتاب‌های هنری نیاز به تلاش بیشتری است. برای نمونه در تحقیق که توسط سلیمی (۱۳۹۲)، قاسمی (۱۳۸۸) و عیناوی (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی کتاب‌های علوم تجربی راهنمایی بر اساس مولفه‌های خلاقیت گیلفورد» انجام شده است، دریافتند که کتاب علوم دوم راهنمایی بیشتر بر سطح حافظه شناختی تاکید دارد و بین سطوح اعمال ذهنی گیلفورد تعادلی وجود ندارد. رحمنی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد» نتیجه گرفته است که بیشتر محتوی کتاب فارسی اول دبستان (بخوانیم و بنویسیم) بر اساس مولفه‌های خلاقیت گیلفورد در سطح تفکر هم‌گرا و حافظه شناختی تکیه دارد و به سطح تفکر واگرا کمتر توجه شده است. در پژوهشی دیگر ملکی، افشارکهن و نوروزی (۱۳۹۱) با عنوان «ارزشیابی محتوای کتاب علوم تجربی دوره راهنمایی از دیدگاه آموزش پلسک» نتیجه گرفت بیشتر محتوای این دوره در سطح آمادگی، عملکرد مطلوبی دارند اما در سه سطح توسعه، تخیل و به ویژه به کارگیری در عمل نیاز به بازنگری دارد. در تحقیقی دیگر که توسط مهدوی پور (۱۳۸۷) با هدف تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام جدید متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت‌های حل مساله انجام شد نتیجه گرفته شد که پرسش‌ها، فکر کنید، سوالات و تکالیف موجود در متن کتاب شیمی از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد بیشتر به سطح حافظه شناختی تعلق دارد. و مزیدی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مولفه خلاقیت» نتیجه گرفت که میزان توجه به خلاقیت در کتاب‌های اول و دوم ابتدایی در حد پایین‌تر از متوسط و کتاب‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی در حد بالاتر از متوسط بوده است.

بنابراین از آنجایی که کتاب فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول می‌تواند وسیله و عامل موثری در پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان گردد، این پژوهش قصد دارد تا با تحلیل محتوای این کتاب به پرسش زیر پاسخ دهد.

سوالات تحقیق

آیا متن و تصاویر کتاب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم متوسطه اول با توجه به مولفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردرز در سطح مطلوبی

قرار دارد؟

روش

در تحقیق حاضر با توجه به هدف تحقیق، مبنی بر بررسی کتب فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)، بر اساس مولفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز، از روش مراجعه به اسناد و تکنیک تحلیل محتوای ویلیام رومی استفاده شده است. دو واحد تحلیل در پژوهش حاضر متن و تصاویر کتب مذکور است. استفاده از تحلیل محتوا در زمینه آموزش و پرورش مبتنی بر این فرض اساسی است که هر وسیله ارتباط مانند کتاب، دارای پیام‌های نهانی و آشکار است که خواننده را تحت تاثیر قرار می‌دهد (ایمانی، و مظفر، ۱۳۸۰، به نقل از مزیدی، ۱۳۹۰). در این پژوهش از روش تحلیل محتوای ویلیام رومی (۱۹۸۶) که عبارت است از: تعیین بسامد و یا احتساب کمیت مفاهیم موجود در یک متن (نقل در مزیدی، ۱۳۹۰)، با توجه به میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز به تجزیه و تحلیل محتوا کتب مذکور پرداخته شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، محتوای کتب فرهنگ و هنر پایه‌ی هفتم، هشتم و نهم سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ است. در این پژوهش حجم نمونه و جامعه آماری یکسان است. به عبارت دیگر کل محتوای (متن و تصویر) کتب پایه هفتم، هشتم و نهم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش سیاهه مولفه‌های گیلفورد و بیکاردز است که بر اساس محتوای درس‌ها تنظیم شده است (رجوع شود به پیوست شماره ۱). اعتبار ابزار از طریق روایی صوری مشخص شد یعنی محقق در این پژوهش به منظور اعتباریابی (روایی صوری) ابزار تحقیق از نظرات و دیدگاه‌های صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و پنج نفر از معلمان با سابقه هنر دوره اول متوسطه با مدرک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد استفاده نموده است. برای تعیین صحت روش کار یا پایایی، به ویژه در مورد تخصیص ویژگی خلاقیت یا فقدان خلاقیت، از واحدهای فعال و غیر فعال به ترتیب از متن و تصاویر موجود در کتاب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم، ۳۰ مورد مشخص و در قالب فرمی به صورت بلی و خیر در اختیار همان متخصصان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا همان واحدهای تحلیل منتخب را با توجه به مولفه‌های خلاقیت تشخیص و در فرم مربوطه علامت گذاری نمایند. پس از جمع‌آوری فرم‌ها و مقایسه سنجش مقوله‌های انتخابی گروه منتخب با مقوله‌های تعیین شده توسط پژوهشگر، ضریب همبستگی ۰/۶۳ به دست آمد. میانگین درصد کل نظرات متخصصین در مورد تخصیص واحد تحلیل برابر با ۷۴ درصد به دست آمد و بدین سان پایایی پژوهش مشخص شد.

یافته‌ها

پس از بررسی واحدهای تحلیل در کتب فرهنگ و هنر متوسطه اول، نتایج حاصل از بررسی‌های صورت گرفته را در سه جدول به تفکیک پایه‌های تحصیلی به صورتی که در زیر مشاهده می‌شود، آورده شده است. محتوی هر جدول نشان‌دهنده تعداد جملات و تعداد تصاویری است که در هر یک از ۱۴ مولفه خلاقیت گیلفورد و بیکاردز قرار گرفته‌اند. بعلاوه در هر جدول تعداد کل متون و تصاویری که در واحدهای خلاق یا غیر خلاق، تعداد

کل واحدها، نسب واحدهای خلاق به غیرخلاق، و درصد هر یک به تفکیک آورده شده است. در ادامه نیز جهت مقایسه نتایج حاصل از هر پایه تحصیلی با یکدیگر و با مجموع سه پایه در جدول شماره (۴) آورده شده است. جهت محاسبه میزان خلاقیت هر کدام از واحدهای تحلیل (تصویر، متن و مجموع تصویر و متن)، مطابق با فرمول زیر با استفاده از روش ویلیام رومی استفاده شده است.

$$\text{ضریب درگیری دانش آموزان با متن/تصویر} = \frac{\text{مجموع واحدهای خلاق}}{\text{مجموع واحدهای غیرخلاق}}$$

نحوه استفاده از فرمول فوق بدین صورت است که، از مجموع کل جملات/تصاویر موجود در یک کتاب، مجموع جملاتی/تصاویری را که در واحدهای خلاق قرار گرفته‌اند به مجموع جملات/تصاویری را که در واحدهای غیر خلاق قرار گرفته‌اند تقسیم می‌کنیم. عدد به دست آمده (ضریب درگیری) اگر ۰/۵ باشد، نشان دهنده این است که حداقل ۲۵ درصد واحدهای تحلیل در قسمت خلاق قرار دارند و اگر برابر ۱ باشد نشانه آن است که، حداقل ۵۰ درصد واحدهای تحلیل در قسمت خلاق قرار دارند. به همین صورت هر چقدر که ضریب درگیری از ۰/۵ بیشتر باشد، نشان دهنده توجه بیشتر کتاب به مولفه‌های خلاقیت و هرچقدر از ۱ بیشتر باشد، نشان دهنده وضعیت مطلوب کتاب از نظر برخورداری از مولفه‌های خلاقیت است (امیرتیموری، زارع، ساریخانی و سالاری، ۱۳۹۲). جهت محاسبه درصدهای موجود در جدول نیز بدین شکل عمل شده است که مجموع واحدهای تحلیل برابر با ۱۰۰ درصد و جمع واحدهای خلاق یا جمع واحدهای غیر خلاق و یا جمع هر یک از مولفه‌ها را با استفاده از جدول تناسب از مجموع واحدهای تحلیل (۱۰۰ درصد) محاسبه می‌شود.

جدول شماره ۱: فراوانی مولفه‌های خلاقیت در متن و تصاویر کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم

ردیف	مجموع	رصد تصویر	تصویر	رصد متن	متن	نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق
۵/۴۵	۳/۵۷	۱۳/۰۶	۱۳/۰۶	۳/۱۸	۳/۱۸	نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق
۱۰۰	۱۸۵۳	۱۰۰	۲۲۵	۱۰۰	۱۶۲۸	جمع واحدهای تحلیل
۱۵/۵۰	۴۰۵	۷/۱۱	۱۶	۳۳/۸۹	۳۸۹	جمع واحدهای غیر خلاق
۸۴/۴۹	۱۴۴۸	۹۲/۸۸	۲۰۹	۷۶/۱۰	۱۲۳۹	جمع واحدهای خلاق
۰/۶۱	۲۰	۰	۰	۱/۲۲	۲۰	عمل بالعکس
۰/۲۷	۹	۰	۰	۰/۵۵	۹	ترتیب دوباره
۰/۶۴	۲۱	۰	۰	۱/۲۸	۲۱	جابجایی
۱/۳۷	۲۰	۱/۸۷	۴	۰/۹۸	۱۶	کوچک نمایی
۱/۰۱	۳۳	۰	۰	۲/۰۲	۳۳	بزرگ نمایی
۰/۸۶	۲۵	۰	۰	۱/۵۳	۲۵	اقتباس
۲/۴۶	۴۹	۲/۲۲	۵	۲/۷۰	۴۴	ارزشیابی
۱/۱۸	۲۰	۱/۳۳	۳	۱/۰۴	۱۷	پیش‌بینی
۶/۹۸	۳۹	۱۳/۷۲	۳۵	۰/۲۴	۴	تحلیل گری
۰/۸۷	۲۳	۰/۳۹	۱	۱/۳۵	۲۲	ترکیب
۲/۶۹	۳۸	۳/۵۵	۸	۱/۸۴	۳۰	انعطاف پذیری
۱۵/۴۳	۲۲۲	۲۰	۴۵	۱۰/۸۷	۱۷۷	ایدهای نوین
۰/۹۲	۳۰	۰	۰	۱/۸۴	۳۰	سیالی
۴۹/۳۰	۸۸۵	۵۱/۱۱	۱۱۵	۴۷/۲۹	۷۷۰	حساسیت به مساله
رصد	مجموع	رصد تصویر	تصویر	رصد متن	متن	مولفه - تحلیل - درصد فراوانی

نتایج حاصل از جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که محتوی کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم هم از نظر متن و تصویر و در مجموع نیز در سطح مطلوب (ضریب درگیری بیشتر از ۱) خلاقیت قرار دارد.

جدول شماره ۲: فراوانی مولفه‌های خلاقیت در متن و تصاویر کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق غیر خلاق	۲/۱۲	۲/۱۲	۳۳/۶۶	۳۳/۷۱
جمع واحدهای تحلیل	۵۷۲	۱۰۰	۲۰۸	۱۰۰
جمع واحدهای غیر خلاق	۱۸۳	۳۲	۶	۲/۸۸
جمع واحدهای خلاق	۳۸۹	۶۸	۲۰۲	۹۷/۱۱
عمل بالکس	۱۰	۱/۷۴	۰	۰
ترتیب دوباره	۲	۰/۳۴	۰	۰
جایگزین	۱۱	۱/۹۲	۰	۰
کوچک نمایی	۱۲	۲/۰۹	۸	۳/۸۴
بزرگ نمایی	۷	۱/۲۲	۳۵	۱۶/۸۲
اقتباس	۱۰	۱/۷۴	۰	۰
ارزشیابی	۱۵	۲/۶۲	۰	۰
پیشنهادی	۸	۱/۳۹	۰	۰
تحلیل گری	۱۸	۳/۱۴	۱۸	۸/۶۵
ترتیب	۸	۱/۳۹	۰	۰
انعطاف پذیری	۲۸	۴/۸۹	۱	۰/۴۸
ایدهای نوین	۱۹	۳/۳۲	۴۴	۲۱/۱۵
سبالی	۴۳	۷/۵۱	۰	۰
حساسیت به مساله	۲۰۲	۳۵/۳۱	۹۹	۴۷/۵۹
مولفه واحد تحلیل - درصد فراوانی	متن	درصد متن	تصویر	درصد تصویر

مجموع	درصد	۳۵/۷۸
۳۰۱	۴۱/۴۵	
۴۳	۳/۷۵	
۶۳	۱۲/۳۳	
۲۹	۲/۶۸	
۸	۰/۶۹	
۳۶	۵/۸۹	
۸	۰/۶۹	
۱۵	۱/۳۱	
۱۰	۰/۸۷	
۴۲	۹/۰۲	
۲۰	۲/۹۶	
۱۱	۰/۹۶	
۲	۰/۱۷	
۱۰	۰/۸۷	
۵۹۱	۸۲/۵۵	
۱۸۹	۱۷/۴۴	
۷۸۰	۱۰۰	
۴۷۳	۴/۷۳	

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، محتوی کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم از نظر مولفه‌های خلاقیت در سطح مطلوب (ضریب درگیری بیشتر از ۱) قرار دارد.

جدول شماره ۳: فراوانی مولفه‌های خلاقیت در متن و تصاویر کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم

تصویر	درصد نظ	نظ	موقعه واحد تحلیل - درصد فراوانی
۷۱۱	۴۳/۵۵	۷۱۳	حساسیت به مساله
۰	۲/۹۳	۴۸	سیالی
۲۹	۷/۵۷	۱۲۴	ایده‌های نوین
۱۱	۱/۶۴	۲۷	انعطاف پذیری
۴۳	۱/۴۶	۲۴	ترکیب
۳۲	۱/۵۸	۲۶	تحلیل‌گری
۹	۲/۶۲	۴۳	پهچیدگی
۰	۰/۹۷	۱۶	ارزشیابی
۰	۱/۵۸	۲۶	اقتباس
۲۸	۱/۴۶	۲۴	بزرگ‌نمایی
۴	۲/۰۱	۳۳	کوچک‌نمایی
۱	۱/۸۳	۳۰	جایگزین
۸	۰/۳۶	۶	ترتیب دوباره
۷	۱/۵۸	۲۶	عمل بالعکس
۲۹۰	۷۱/۲۸	۱۱۶۷	جمع واحدهای خلاق
۹	۲۸/۷۱	۴۷۰	جمع واحدهای غیر خلاق
۲۹۹	۱۰۰	۱۶۳۷	جمع واحدهای تحلیل
۳۲/۲۲	۲/۶۸	۲/۴۸	نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق

۳۳/۳۱	۱۰۰	۳/۰۱	۹۶/۹۸	۲/۳۴	۲/۶۷	۰/۳۳	۱/۱۳۳	۹/۳۶	۰	۰	۳/۰۱	۱۰/۷۰	۱۴/۳۸	۳/۶۷	۹/۶۹	۰	۳۹/۱۳	درصد تصویر
۳/۰۴	۱۹۳۶	۴۷۹	۱۴۵۷	۳۳	۱۴	۳۱	۳۷	۵۲	۲۶	۱۶	۵۲	۵۸	۶۷	۳۸	۱۵۳	۴۸	۸۳۰	مجموع
۵/۳۹	۱۰۰	۱۵/۵۸	۸۴/۱۳	۱/۹۶	۱/۵۱	۱/۰۸	۱/۶۷	۵/۴۱	۰/۷۹	۰/۴۰	۱۷/۱	۶/۱۴	۷/۹۲	۲/۶۵	۸/۶۳	۱/۴۶	۶۳/۱۱	درصد

نتایج حاصل از جدول شماره (۳) نشان دهنده این است که محتوی کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم، در هر دو واحد تحلیل (متن و تصویر) و در مجموع از نظر مولفه‌های خلاقیت در سطح مطلوب (ضریب درگیری بیشتر از ۱) قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی میزان برخورداری کتب فرهنگ و هنر متوسطه اول از نظر میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز بود.

نتایج حاصل از جداول شماره (۱، ۲ و ۳) نشان می‌دهد که با توجه به اینکه ضریب درگیری (نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق) در هر سه پایه تحصیلی (هفتم، هشتم و نهم)، در هر دو واحد تحلیل (متن و تصویر)، و در مجموع در تمامی موارد بیشتر از یک (۱) می‌باشد، در نتیجه کتب فرهنگ و هنر متوسطه اول از نظر میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در سطح مطلوبی قرار دارد، که نشان از تدوین خلاق محتوای این کتب دارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت: از مجموع ۱۸۵۳ واحد مورد تحلیل از قسمت‌های مختلف متن و تصاویر کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه هفتم، تعداد ۱۴۴۸ واحد تحلیل مشمول مولفه‌های خلاقیت می‌گردند. این تعداد دارای مولفه‌های خلاقیت برابر با ۸۴/۴۹ درصد کل محتوی کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم است. و هم چنین از ۱۵ مولفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مولفه حساسیت به مساله با ۴۹/۲۰ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مولفه‌هایی نظیر ایده‌های نوین، تحلیل‌گری، انعطاف‌پذیری و ارزشیابی نیز به ترتیب ۱۵/۴۳، ۶/۹۸، ۲/۶۹ و ۲/۴۶ بعد از مولفه حساسیت به مساله بیشترین درصد به خود اختصاص داده‌اند. این نتایج حکایت از این دارد که، کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم از نظر میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر دارای وضعیت مطلوبی است. بعلاوه یافته‌ها نشان از این دارند که مولفه ترتیب دوباره با ۲۷/۰ درصد کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است. در مجموع این نتایج نشان دهنده‌ی توجه مولفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به مقوله خلاقیت است. اگر بپذیریم کتاب فرهنگ و هنر نقش بسیار مهمی را در شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند، می‌توان گفت: کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به خوبی توانسته است این مهم را عملیاتی نماید.

در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم، یافته‌ها گویای این مطلب است که: از مجموع ۷۸۰ واحد مورد تحلیل از قسمت‌های مختلف متن و تصاویر کتاب‌های فرهنگ و هنر هشتم، تعداد ۵۹۱ واحد تحلیل مشمول مولفه‌های خلاقیت می‌گردند. این تعداد واحد دارای مولفه‌های خلاقیت برابر با ۸۲/۵۵ درصد کل کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم است و هم چنین از ۱۵ مولفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مولفه حساسیت به مساله ۴۱/۴۵ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مولفه‌هایی نظیر بزرگنمایی، ترکیب، پیچیدگی، ارزشیابی، اقتباس، جایگزینی و عمل به العکس تقریباً فراوانی نسبتاً کمی از محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم را به خود اختصاص داده است. بعلاوه اینکه مولفه ترتیب دوباره با ۰/۱۷ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در مجموع این نتایج حکایت از این دارد که، کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم از نظر میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر دارای وضعیت مطلوبی است. این نتایج نیز نشان دهنده‌ی توجه مولفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم به مقوله خلاقیت است.

در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم، یافته‌ها گویای این مطلب است که: از مجموع ۱۹۳۶ واحد مورد تحلیل از قسمت‌های مختلف متن و تصویر کتاب فرهنگ و هنر هشتم، تعداد ۱۴۵۷ واحد تحلیل مشمول مولفه‌های خلاقیت می‌گردند. این واحد دارای مولفه‌های خلاقیتی برابر با ۸۴/۱۳ درصد کل کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم است و هم چنین از ۱۵ مولفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مولفه حساسیت به مساله ۶۳/۱۱ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مولفه‌های نظیر ارزشیابی، اقتباس و جایگزین کمترین فراوانی را از محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم به خود اختصاص داده است. بعلاوه اینکه مولفه ارزشیابی با ۰/۴۸ درصد، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در مجموع این نتایج حکایت از این دارد که، کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم از نظر میزان برخورداری از مولفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر دارای وضعیت مطلوبی است. این نتایج نیز نشان دهنده‌ی توجه مولفان کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم به مقوله خلاقیت است.

با توجه به نتایج حاصل می‌توان نتیجه گرفت کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم در زمینه متن با حدود ۳/۱۸ درصد فراوانی در بالاترین سطح خلاقیت و سپس به ترتیب کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم با حدود ۲/۴۸ درصد و کتاب فرهنگ و هنر هشتم با حدود ۲/۱۲ درصد کمترین سطح خلاقیت را دارا می‌باشند. همچنین در زمینه تصاویر نیز به ترتیب پایه‌ی هشتم، نهم و هفتم با درصد فراوانی ۳۳/۷۱، ۳۲/۲۱ و ۱۳/۰۶ از بالاترین سطح خلاقیت تا پایین‌ترین سطح خلاقیت رتبه بندی می‌شوند. ولی در مجموع با توجه به اینکه درصد فراوانی تمامی کتاب‌ها بالاتر از ۰/۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه هفتم، هشتم و نهم واحد تحلیلشان در قسمت خلاق قرار دارند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب‌ها از لحاظ پرورش تفکر خلاق و ایجاد زمینه‌های خلاقیت در دانش‌آموزان در حد مطلوب است.

نظام تعلیم و تربیت در هر کشوری می‌تواند عنصر بسیار مهم و موتور جلو برنده اهداف و آرمان‌های هر ملتی باشد. اگر تعلیم و تربیت را به عنوان فرایندی در نظر بگیریم، که برای تغییر، اصلاح و یا انتقال ارزش‌های یک جامعه بنا شده است، گزافه نیست که بگویم، در این فرایند عنصر خلاقیت عامل بسیار مهمی است که در نحوه و چگونگی انتقال صحیح و یا اصلاح سریع‌تر فرهنگ نقش اساسی را بازی می‌کند. زیرا خلاقیت عامل شکوفایی استعداد و ایجادکننده حساسیت در فرهنگ است که با این عامل می‌تواند درک و فهم انسان از فرهنگ را بالا ببرد. محور قرار دادن خلاقیت در تدوین برنامه درسی و ارائه منابع آموزشی متنوع و متعدد در هر کدام از موضوعات درسی می‌تواند شرایط را برای تهیه و اجرای برنامه درسی خلاق مهیا کند. که لازم است با نوآوری و خلاقیت در تدوین و طراحی منابع و برنامه درسی که موجب پرورش خلاقیت می‌شود، در این جهت گام برداشت. به عبارتی خلاقیت برای پرورش خلاقیت باید در دستور کار متولیان تعلیم و تربیت قرار گیرد (بیت‌الهی، ۱۳۹۳). چنانچه محتوای کتاب‌های درسی در قالب یک موقعیت نامعین و توأم با بهت‌زدگی ارائه گردد، نوعی احساس خلا فکری را در فراگیر به جود می‌آید. همین احساس، او را به تلاش برای تبدیل

موقعیت نامعین به یک موقعیت معین سوق می‌دهد. فراگیر با تحلیل موقعیت، به کشف روابط میان عناصر می‌پردازد و جدا از کسب اطلاعات مورد نیاز می‌تواند چگونه آموختن و چگونه فکر کردن را بیاموزد. بنابراین محتوای قابل انعطاف و برخاسته از نیازها، علایق و مشکلات دانش‌آموزان و جامعه، با توجه به تحولات آینده می‌تواند باعث یادگیری موثرتر گردد. زیرا یادگیرنده را برای درک شرایط نامطلوب بررسی ارتباطات، الگوها، روابط، و حل مسائل و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها آماده می‌کند. با یادگیری موثرتر، تصمیم‌گیری برای خلاقیت و تطبیق رفتارها مناسب‌تر می‌شود. با ادغام شناخت، عواطف و تولید یادگیری موثر رضایت نیز حاصل می‌گردد (قاسمی و جهانی، ۱۳۸۸).

در نظام تعلیم و تربیت به ویژه در سطح مدارس، کتاب‌های درسی یکی از ابزارهای مهم آموزش محسوب می‌شوند، که در بروز رفتار صحیح و شکل‌گیری پایه‌های خلاقیت نقش اساسی دارند. کتاب فرهنگ و هنر با رویکرد تربیت هنری، دست یافتن به درک و خلاقیت، توجه به میراث فرهنگی با سه عنوان فرهنگ و هنر هفتم، فرهنگ و هنر هشتم و فرهنگ و هنر نهم در مقطع متوسطه اول قرار گرفته است و مجموعاً در هفته کمتر از دو ساعت به آن اختصاص داده می‌شود. از سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ کتاب‌های درسی متوسطه اول با نگرشی نو و در راستای نظام تربیتی ۳ - ۳ - ۶ و نظام تحول بنیادین تدوین شده است که خوش‌بختانه نتایج پژوهش حاضر نشان از مطلوب بودن این کتب از نظر خلاقیت دارد.

یکی از اهداف مهم آموزش هنر پرورش استعدادها، کودکان و نوجوانان و کمک به رشد خلاقیت آن‌هاست. پرورش مفهوم خلاقیت و چگونگی پردازش آن در کتب درسی متعدد، به ویژه در درس هنر، اقدامی بنیادی و بسیار اساسی است. دانش‌آموزان در طی تحصیل به شدت تحت تاثیر مواردی همچون؛ فضای فیزیکی، معلمان، کتاب‌های درسی و ... قرار می‌گیرند. در این میان کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول که عمر چندانی از تالیف و چاپ آن‌ها نمی‌گذرد نیز، نیازمند آن بود که تحت ارزیابی و بررسی قرار گیرد. از طرفی یک ارزیابی علمی و منطقی منوط به آن است که در قالب یک دیدگاه یا نظریات صاحب‌نظران آن حوزه تخصصی قرار گیرد. نتایج این پژوهش راه‌گشا و یاری‌دهنده مولفان کتب مذکور و نهادهای مربوط به آن می‌باشد. در واقع دانش نظری به دست آمده از این پژوهش، به طور مستقیم در خدمت معلمان، نهادهای تربیتی، مسولین و سایرین قرار می‌گیرد. دانش‌آموزان به برنامه‌های درسی نیاز دارند که آنان را هیجان‌زده و شاد نماید. در واقع این قدرت خلاقیت برنامه درسی و محتوای آموزشی است که در ایجاد این مهم اثرات فراوانی می‌گذارد. به عبارتی دانش‌آموزان خلاق به محتوای خلاق، معلم خلاق و ... نیاز دارند. محتوایی که بتواند ضمن برخورداری از یک نظم و انسجام، دانش‌آموزان را برانگیخته و کنجکاو نماید. تعلیم و تربیت باید دانش‌آموزان خلاق را پرورش دهد، چرا که زندگی در عصر حاضر و حل مساله در آن نیازمند افرادی خلاق است.

در مجموع نتایج پژوهش بیانگر اهمیت و نقش کتب فرهنگ و هنر بر روی خلاقیت دانش‌آموزان داشت که متولیان امر تعلیم و تربیت را بر آن می‌دارد که در تدوین کتاب‌های درسی هنر، در نظر گرفتن نقش خلاقیت و تاثیر آن و محتوای مناسب از نظر خلاقیت، بسیار ضروری است. یکی از مواردی که به اعتبار پژوهش‌ها لطمه می‌زند، شیوه نمونه‌گیری نادرست و حجم نمونه ناکافی است. لیکن پژوهش حاضر به دلیل اهمیت موضوع و تاثیرات زیاد آن اقدام به یکی کردن جامعه و نمونه کرده است. دقتی که از این شیوه با نتایج به دست آمده همراه است، نتیجه‌گیری معقول‌تری به همراه خواهد داشت. بعلاوه تمامی کسانی که از این نتایج استفاده می‌کنند با استناد به این نتایج با اطمینان خاطر بیشتری می‌توانند تصمیم‌گیری کنند. لیکن با توجه به محدودیت در پژوهش و ماهیت خطاپذیر آن لذا ذکر این نکته نیز لازم است که به هیچ وجه با اطمینان صد درصدی نمی‌توان به این نتایج استناد نمود و رعایت جانب احتیاط لازم و ضروری است.

پیشنهادات

- ۱) فراخوانی و تحریک خلاقیت و ظرفیت هنری فراگیران از طریق برگزاری مسابقات و جشنواره‌ها.
- ۲) از آن‌جا که از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز یکی از خصوصیت فرد خلاق انعطاف پذیری، سیالی و ابتکار است تعبیه بخش نقد و نظر در پایان اغلب کتب درسی و اختصاص سؤالاتی در قالب نوشتن نقد و نظر در موضوعات مختلف کتب درسی که می‌تواند ما را به اهداف خود که تولید پاسخ‌های فراوان و یا تولید یک ایده جدید است برساند.
- ۳) آموزش و مجهزسازی معلمان به روش‌های نوین تدریس متناسب با محتوی درس فرهنگ و هنر در جهت شکوفاسازی خلاقیت فراگیران.
- ۴) برگزاری اردوهای علمی به مکان‌های تاریخی در جهت آشنایی و شناخت بهتر و دقیق‌تر دانش‌آموزان با هنر و آثار بزرگان این عرصه.
- ۵) اجرای کامل بخش‌های مختلف هنر و تربیت هنری مانند ارتباط با طبیعت در مدارس.
- ۶) آموزش والدین نسبت به اهمیت هنر و خلاقیت و ارائه راهکارهای صحیح به فرزندان در مسیر انجام امور خلاقانه و هنری.
- ۷) تخصیص بودجه و تمهیدات مناسب در جهت ارائه کتب و آثار هنری در مدارس به دانش‌آموزان.

منابع

- امیر تیموری، محمدحسن؛ زارع، محمد؛ ساریخانی، راحله؛ سالاری، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی میزان انطباق کتاب علوم تجربی سال دوم دبستان با مولفه‌های خلاقیت و سطوح بالای حیطه شناختی بلوم. *فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۳(۳)، ۱۸۶-۱۶۱.
- ایرجی‌راد، ارسلان؛ ملک‌زاد نصرآبادی، الهه. (۱۳۹۶). بررسی سرمایه روانشناختی با میانجی‌گری انگیزه پیشرفت بر خلاقیت دانشجویان. *فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۴(۶)، ۷۰-۵۱.
- جعفری، محمدباقر؛ امیرزاد، قنبر. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر فرهنگ سازمانی (بر اساس مدل هافستد) بر خلاقیت. *رسالت مدیریت دولتی*، ۲۶(۸)، ۷۹-۸۹.
- حائری زاده، خیریه بیگم. (۱۳۹۰). تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۵). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی. *فصل‌نامه نوآوری آموزشی*، ۱۷۷-۲۰۱، ۱۵(۵).
- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش‌آموزان. *فصل‌نامه نوآوری آموزشی*، ۱۴۷-۱۶۸، ۲۳(۶).
- حسینی، افضل السادات، محمدزاده، سید زهره. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه آموزش خلاقیت در قالب فعالیت‌های هنری بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان. *فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۶(۱)، ۱۳۰-۱۰۹.

- رحمنی، ملیحه. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد. *پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه علوم تربیتی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه. (۱۳۹۵). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- سلیمی، عصاره. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب درسی علوم تجربی سال دوم راهنمایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد. *فصل نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۴(۲)، ۷۳-۱۰۲.
- سلیمی، لیلا؛ عصاره، علی رضا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتب درسی علوم دوره دوم راهنمایی از دیدگاه الگوی آموزشی خلاقیت گیلفورد. *فصل نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲(۴)، ۷۳-۱۰۲.
- عصاره، علیرضا؛ قهرمانی، علی اصغر. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب های ریاضی چهارم و پنجم ابتدایی بر مبنای الگوی آموزش پلسک، *فصل نامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۳۴(۹)، ۹۳-۱۱۶.
- عیناوی، ندا. (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل محتوای کتاب علوم دوره ابتدایی با عوامل خلاقیت گیلفورد. *پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*. دانشگاه تهران. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی.
- قاسمی طاهر، زهرا. (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی سوم راهنمایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد. *پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبایی تهران. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه برنامه ریزی درسی.
- قاسمی، فرشید؛ جهانی، جعفر. (۱۳۸۸). ارزیابی اهداف و محتوای کتاب های علوم تجربی دوره ابتدایی از دیدگاه الگوی آموزش خلاقیت پلسک، *فصل نامه مطالعات برنامه ریزی درسی ایران*، ۱۰(۳)، ۳۹-۶۳.
- لرکیان، مرجان؛ مهرمحمدی، محمود؛ ملکی، حسن. (۱۳۹۰). طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران. *فصل نامه مطالعات برنامه درسی*، ۲۱(۶)، ۱۲۳-۱۶۳.
- مزیدی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی میزان برخورداری کتاب های فارسی دوره ابتدایی از مولفه های خلاقیت. *مجله پژوهش های برنامه درسی*، ۱(۱)، ۶۹-۱۰۹.
- ملکی، حسن؛ افشارکهن، زهرا؛ نوروزی، بهزاد. (۱۳۹۱). ارزیابی محتوای کتب علوم تجربی دوره راهنمایی از دیدگاه الگوی آموزش خلاقیت پلسک. *فصل نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱(۴)، ۱۵۱-۱۲۳.
- منطقی، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر آموزش خلاقیت بر دانش آموزان پیش دبستان و دبستانی. *مجله پژوهش های برنامه درسی*، ۱(۲)، ۱-۲۸.
- مهدوی پور، محمدرضا. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام جدید متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت حل مسأله گانه. *پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*. دانشگاه شهید رجایی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۴). چیستی، جرایب و چگونگی آموزش عمومی هنر، تهران: انتشارات مدرسه.
- نیک نفس، سعید؛ علی آبادی، خدیجه. (۱۳۹۲). نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش و طراحی کتاب های درسی. *مجله جهانی رسانه- نسخه فارسی*، ۲(۸)، ۱۲۴-۱۵۰.

- Averill, J. R. (2005). Emotions as mediators and as products of creative activity. *Creativity across domains: Faces of the muse*, 225-243.
- Eisner, E. W. (2002). The arts and the creation of the mind. *New Haven, CT: Yale University Press*.
- Harrison, A. G. (2001). How do teachers and textbook writers model scientific ideas for students?. *Research in science education*, 31(3), 401-435.
- Iwai, K. (2002). The contribution of arts education to children's lives. *Prospects*, 32(4).
- Jean, C. (2013). Creativity art and Learning: A psycho-social exploration of uncertainty. *International Journal of Art and Design Education*, 32(1), 33-43.
- Lehning, A. J., Vu, C. M., & Pintak, I. (2007). Theories of poverty: Findings from textbooks on human behavior and the social environment. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 16(1-2), 5-19.
- Runco, M. A., & Chand, I. (1995). Cognition and creativity. *Educational psychology review*, 7(3), 243-267.
- Wojtczuk-Turek, A., & Turek, D. (2015). Innovative behaviour in the workplace: The role of HR flexibility, individual flexibility and psychological capital: the case of Poland. *European Journal of Innovation Management*, 18(3), 397-419.

پیوست شماره ۱

- چهارده مولفه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز که به عنوان ابزار نیز در این پژوهش استفاده شده به شرح زیر است.
- ✓ **حساسیت به مساله:** طرح مواردی که حساسیت و کنجکاوی دانش آموزان را در برخی از مسائل بر می انگیزد.
 - ✓ **سیالی:** توانایی تولید پاسخ‌های فراوان برای یک سوال یا مسئله باز
 - ✓ **ایده‌های نوین (ابتکار):** توانایی تولید پاسخ‌های جدید و بدیع، کلی، واحد و مرتبط با مسئله
 - ✓ **انعطاف پذیری:** توانایی تولید ایده‌های غیر معمول یا دیدن یک موقعیت از جنبه‌های متفاوت
 - ✓ **هم نهادی (ترکیب):** قدرت ترکیب پدیده‌ها، ایده‌ها و مفاهیم. تفکر خلاق در صورت لزوم موضوع‌ها و پدیده‌های مختلف را درهم ادغام می کند و آن‌ها را به شکل بهینه مورد استفاده قرار می دهد.
 - ✓ **تحلیل گری:** تفکری است که می تواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند و عوامل تشکیل دهنده آن‌ها را تشخیص دهد.
 - ✓ **پیچیدگی:** توانایی دیدن روابط با ایجاد پیوستگی بر اساس اطلاعات جزئی
 - ✓ **ارزشیابی:** قضاوت بر امور، اطلاعات در روش‌های رو به رو شدن با مسائل
 - ✓ **اقتباس:** استفاده گزینشی از راه‌ها و کارهای گذشته می باشد که فرد آن را بر گرفته با نوعی خلاقیت و دخل و تصرف به طور موازی در حل مسائل و پرورش ایده‌های خود مورد استفاده قرار می دهد.

- ✓ **بزرگنمایی:** تفکر خلاق، قدرت افزودن در مفاهیم و پدیده‌ها و قوی‌تر و بزرگ‌تر نشان دادن آن‌ها را دارد و می‌تواند ارزش‌های دیگری را بر آن بیفزاید. به همین ترتیب ذهن خلاق، توان مبالغه کردن، تکثیر و هم چنین پدید آوردن ترکیبات اضافی را دارد.
- ✓ **کوچک نمایی:** کوچک نمایی یکی از توانایی‌های تفکر خلاق است که می‌تواند پدیده‌ها یا مفاهیم را در مقیاس کوچک‌تر و فشرده‌تر ترسیم کند. در همین حال تفکر خلاق قادر است، پدیده‌ها را تجزیه کند و آن‌ها را در سطحی پایین‌تر و با ابعاد کوچک‌تر ارائه دهد. به همین ترتیب کم کردن و حذف کردن بعضی از متغیرها و پدیده‌ها از ویژگی‌های تفکر خلاق است.
- ✓ **جایگزینی:** جایگزینی به معنی استفاده از مواد، امکانات، نگرش، عواطف و احساسات به جای مواد و امکانات دیگر است. علاوه بر این تفکر خلاق می‌تواند از استعدادها و افراد دیگر نیز، به جای استعدادها و افراد موجود استفاده کند.
- ✓ **ترتیب دوباره:** ترتیب دوباره بدین معنا است که تفکر خلاق می‌تواند که اجزا و عناصر پدیده‌ها را با ترتیب‌های دیگری مطرح کند و آن‌ها را به گونه‌ای دیگر بچیند. تفکر خلاق توانایی برقرار کردن ترتیب منطق رسانی و مکانی پدیده‌ها، افراد و عناصر آن‌ها را دارد و می‌تواند بین آن‌ها رابطه علت و معلولی برقرار کند.
- ✓ **عمل بالعکس (معکوس سازی):** سرو ته یا بالا و پایین کردن چیزها، جهت مخالف مفاهیم و پدیده‌ها را مورد توجه قرار دادن، و بالاخره در نظر داشتن نقش‌های مخالف و بالعکس مفاهیم و پدیده‌ها است